

انقلاب برای رهایی یا اصلاح‌گری در درون نظم مستقر؛ بررسی تطبیقی علل عقب‌ماندگی مسلمین و راه‌های برون‌رفت از آن در آراء گولن و شریعتی

محمد رضا ملایی *

سید محمدعلی تقوی **

سید حسین اطهری ***

چکیده

عقب‌ماندگی جوامع اسلامی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان معاصر مسلمان بوده است و آنان به روش‌های مختلف به این امر واکنش نشان داده و در پی چاره‌جویی بر آمده‌اند. در این مقاله چرایی عقب‌ماندگی مسلمین و راه‌های برون‌رفت از آن در آراء علی شریعتی و فتح‌الله گولن مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش گولن و شریعتی هر دو به موضوع عقب‌ماندگی مسلمین توجه ویژه‌ای داشته‌اند، اما هیچ‌کدام از زاویه نظریات جامعه‌شناسانه یا اقتصادی توسعه به این مسئله ننگریسته‌اند، بلکه به مثابه اندیشمندان دینی مدرن آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. هر دو اندیشمند به عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عقب‌ماندگی اشاره می‌کنند، ولی اصلی‌ترین عامل داخلی را دور شدن از اسلام واقعی می‌دانند و برای برون‌رفت از عقب‌ماندگی نیز ارائه یک نگاه نو به اسلام را ضروری می‌شمارند. شریعتی اسلام را در قالب یک ایدئولوژی انقلابی مطرح می‌کند که دارای برنامه‌های جامعی برای زندگی بشری است تا از این طریق تحرک و بیداری را به جامعه‌ی اسلامی بازگرداند. گولن نیز با تاکید بر ایمان و اخلاق، مسلمین را به حضور فعالانه در عرصه‌های اجتماعی دعوت می‌کند؛ اما برداشت او از اسلام در قالب یک آئین مدنی ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اسلام، راه رهایی، عقب‌ماندگی، علی شریعتی، فتح‌الله گولن.

* کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد mollaeimr1392@gmail.com

** دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) smataghavi@um.ac.ir

*** دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد shathari@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱۵، تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۳

۱. مقدمه

عقب‌ماندگی بیانگر وضعیت یک جامعه نسبت به رشد و پیشرفت جوامع دیگر در زمینه های گوناگون می‌باشد و تمام وجوه مناسبات اجتماعی انسان از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ و قوانین را شامل می‌شود. درباره‌ی چیستی عقب‌ماندگی، پاسخ‌ها و تعبیر گوناگونی مطرح شده است. بی‌قانونی، نبود سازمان‌های مدرن، بی‌سوادی، فقر، فقدان امکانات، پایین بودن سطح اخلاق در جامعه و وجود استبداد نمونه‌هایی از این موارد می‌باشند (علمداری، ۱۳۸۰: ۳۴). با آگاهی از انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمین نسبت به غرب در دوران معاصر، اندیشمندان مسلمان اعم از شیعه و سنی به روش‌های مختلف به آن واکنش نشان دادند. در این میان ایران و ترکیه از مهم‌ترین کشورهای اسلامی هستند که سابقه‌ای دیرین در مواجهه با غرب داشته و در دوره‌های مختلف کوشیده‌اند تا الگویی مطلوب از جامعه‌ی اسلامی ارائه دهند و گاهی در رقابت با هم نیز قرار گرفته‌اند. این پژوهش در پی آن است تا آراء دو تن از اندیشمندان معاصر اسلامی، یکی از جامعه‌ی ایران و دیگری از ترکیه را در مورد علل عقب‌ماندگی مسلمانان و راه بازسازی جامعه‌ی اسلامی در دنیای امروز مورد بررسی قرار دهد. در ایران دکتر علی شریعتی یکی از تاثیرگذارترین اندیشمندان دینی معاصر شیعه می‌باشد که تاثیر عمیقی در احیای هویت اسلامی بر جای گذاشته است. در ترکیه نیز فتح‌الله گولن، متفکر معاصر ترک، به ترویج برداشت خاصی از اسلام همت گماشته که تاثیرات زیادی بر جامعه‌ی ترکیه گذاشته است. دولت کنونی حاکم بر ترکیه از نقطه نظر فکری میراث‌خوار اندیشه‌ی اوست (Dorroll, 2014: 1035)، هر چند در سه سال اخیر به دلیل مسائلی که ریشه در سیاست داخلی ترکیه دارند با وی از سرستیز درآمده است.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که چه همانندی‌ها و ناهمانندی‌هایی میان دیدگاه‌های گولن و شریعتی در باره علل عقب‌ماندگی مسلمانان و راه‌های برون‌رفت از آن وجود دارد. در ابتدای مقاله، رویکردهای مختلف در زمینه‌ی عقب‌ماندگی مسلمانان، به عنوان چارچوب نظری بحث، بیان می‌شوند و سپس نظرات گولن و شریعتی در باره‌ی ریشه‌های عقب‌ماندگی جوامع اسلامی در زمینه‌های مختلف دینی، سیاسی و اجتماعی مورد کنکاش قرار می‌گیرند. آنگاه دیدگاه‌های ایشان در باب راه‌های خروج از وضعیت موجود جوامع اسلامی مقایسه می‌شود. روش پژوهش در این مقاله تجزیه و تحلیل مفهومی از طریق خوانش متون نگاشته شده توسط این دو اندیشمند است. آن‌ها به طور مشخص اثری که مستقیماً به بحث عقب‌ماندگی جوامع

اسلامی پرداخته باشد به رشته‌ی تحریر درنیاورده‌اند، اما این مسئله یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های آنان را تشکیل می‌دهد به گونه‌ای که در لابه‌لای آثار ایشان بدان اشاره می‌شود. بنابراین، نگارندگان خواهند کوشید که از زوایه دید مبحث عقب‌ماندگی و راه خروج از آن، به بازسازی اندیشه‌ی این دو متفکر مسلمان از ایران و ترکیه بپردازند.

۲۲. چارچوب نظری

در ارتباط با علت شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمین مباحث گوناگونی مطرح شده است و نظریات گوناگونی نیز برای آن ارائه شده است. کاظم علمداری در کتاب *چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت* یک دسته بندی از این نظریات را ارائه کرده است. وی این نظریات را به چهارگروه عمده که هرکدام به گروه‌های جزئی‌تری تقسیم می‌شوند طبقه بندی کرده است. گروه اول عوامل خارجی را عامل عقب‌ماندگی مسلمین می‌دانند. گروه دوم بر عامل ذهنی و فرهنگی تاکید می‌کنند. گروه سوم بر عامل اقتصادی و گروه چهارم نیز ارزش‌های اجتماعی را به ارزش‌های اقتصادی پیوند می‌زنند (علمداری، ۱۳۸۰: ۳۹-۴۱).

موثقی نیز در کتاب *جنبش‌های اسلامی معاصر* دو تقسیم بندی کلی از این واکنش‌ها نشان می‌دهد. در یک دسته بندی دیگر، این واکنش‌ها به سه دسته تقسیم شده‌اند: ۱- واکنش‌ها و نهضت‌های سیاسی- نظامی و اجتماعی، ۲- واکنش‌ها و نهضت‌های فکری- فرهنگی و اعتقادی، ۳- واکنش‌ها و نهضت‌های جامع و کامل (موثقی، ۱۳۷۸: ۹۴). البته نمی‌توان خط مشخصی بین این دسته‌ها کشید و معمولاً نهضت‌های سیاسی- نظامی دارای مایه‌های فکری و اعتقادی نیز بوده‌اند، یا نهضت‌های فکری- فرهنگی به تدریج به جنبش‌های سیاسی- اجتماعی یا نظامی انجامیده‌اند. در واقع این واکنش‌ها تأثیرات متقابلی بر هم داشته‌اند، بخصوص نهضت‌های فکری- فرهنگی به سایر موارد سرایت کرده و موجب حرکت‌های گوناگونی شده است، ولی در هر جنبش، معمولاً یک وجه غالب بوده است. موثقی تقسیم بندی دیگری نیز ارائه کرده و معتقد است که این دسته بندی هدفمندتر و چارچوب مندتر است. در این دسته بندی این واکنش‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. ۱- جریان پیروی از غرب، از غرب‌گرایی تا غرب‌زدگی. ۲- جریان احیاء و بازسازی تفکر دینی از بنیادگرایی تا رادیکالیسم اسلامی (موثقی، ۱۳۷۸: ۹۵). این تقسیم بندی بر اساس بنیادها و راه‌حل‌هایی است که هر یک ارائه می‌دهند. جریان اول بیشتر ریشه در تفکر جدید و اندیشه‌های سیاسی اروپا دارد و

جریان دوم ریشه در دین و تفکر دینی. البته اگر این دسته بندی را به صورت یک طیف در نظر بگیریم می‌توان یک گروه دیگری را در میانه‌ی آن جای داد. سنت‌گرایان و غرب‌گرایان در دو طرف طیف قرار می‌گیرند و نواندیشان دین و اصلاح‌گرایان در وسط آن. البته خود این گروه‌ها نیز قابل تقسیم بندی به دسته‌های متفاوتی می‌باشند. قابل ذکر است که ما معتقد نیستیم که این دسته بندی غیر قابل تغییرند و مرز مشخصی بین این گروه‌ها وجود دارد، بلکه باید با تسامح این تقسیم بندی را پذیرفت.

غرب‌گرایی را باید به عنوان ایستاری مثبت نسبت به نوآوری‌ها و دگرگونی‌ها و به طور کلی نسبت به تمدن غرب در نظر گرفت. در حالی که سنت‌گرایی ایستاری منفی نسبت به غرب و نوآوری‌های آن دارد (شرابی، ۱۳۶۹: ۱۲-۱۳). سنت‌گرایی بیشتر تاریخ‌گرا بوده و از سنت‌ها و گذشته الهام می‌گیرد و عصر طلایی را در گذشته جست و جو می‌کند (شرابی، ۱۳۶۹: ۱۴). میانه‌ی این دو گروه، نوگرایی دینی یا اصلاح‌گرایان دینی هستند که در اصل مقید به سنت‌ها هستند، اما به نیازها و واقعیت‌ها نگاه معقول تری دارند و آمادگی دگرگونی در آن‌ها وجود دارد. این گروه در پی نقد سنت و مدرنیته و تلاش برای تغییر و دگرگونی سنت‌ها متناسب با شرایط زمانی است. آن‌ها همچنین خواهان سازگاری سنت با جنبه‌های مثبت مدرنیته می‌باشند. در واقع روشنفکری دینی فعالیت نظری و عملی گروهی است که تلاش می‌کنند سنت‌های دینی را با مدرنیته سازگار کنند و دین را همچنان در صحنه نگه دارند. دو اندیشمند مدنظر یعنی شریعتی و گولن را می‌توان در این طیف قرار داد که از این میان آن دو، شریعتی تمایلات چپ-گرایانه و گولن گرایش لیبرالی دارد.

۳. علل عقب‌ماندگی و زوال

در بررسی آثار گولن و شریعتی در باب علل عقب‌ماندگی جوامع مسلمان، به موارد گوناگونی برخورد می‌کنیم که تقریباً همه آن‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم به دین ارتباط می‌یابند. البته این رابطه از نوع معکوس است، بدان معنی که به باور اندیشمندان یادشده هر چه مسلمانان از اسلام و آموزه‌های اصیل آن فاصله گرفتند به سمت عقب‌ماندگی رانده شدند. آن‌ها زمانی که عوامل سیاسی و اجتماعی عقب‌ماندگی مسلمانان را نیز بیان می‌دارند، این عوامل را به نحوی به رویگردانی از آموزه‌های اسلامی مرتبط می‌سازند. این شیوه بحث گولن و شریعتی را از جامعه‌شناسان و اقتصاددانان علاقمند به مباحث توسعه در جهان اسلام متمایز می‌سازد و آن‌ها را در

قامت اندیشمندی نمایان می‌سازد که اساساً دغدغه دین دارند و با این شاخص به سنجش عقب‌ماندگی یا پیشرفت جوامع اسلامی مبادرت می‌ورزند.

۳-۱. دوری از اسلام واقعی

مهم‌ترین مباحثی که دو اندیشمند در باره‌ی عقب‌ماندگی جوامع مسلمان دارند حول محور دین می‌چرخد. گولن معتقد است دلیل عقب‌ماندگی و پریشانی مسلمانان در چند قرن اخیر، دوری از تعالیم اسلام بوده است و تاوان این کوتاهی نیز همین مشکلات و سرگردانی‌هایی بوده است که به آن مبتلا شده‌اند (گولن، ۱۳۹۲الف، ناسازگاری جهاد با راحت‌طلبی).^۱ گولن بی‌ایمانی را آفتی فراگیر در جوامع می‌داند، مشکلی که تمام بشریت به آن مبتلا شده است و علت بسیاری از دردها و مشکلات فرهنگی و اجتماعی در همین امر است. وی می‌گوید دوری از دستورات دینی باعث بیگانگی انسان نسبت به جهان بیرون و خود واقعی وی گشته و این امر انسان‌ها را به پریشانی‌های فراوانی گرفتار کرده است؛ وی این مساله را باخت و زیان بزرگ بشر می‌داند (گولن، ۱۳۹۲ج: بهترین جوان). گولن معتقد است قلبی که خالی از معنویات باشد نمی‌تواند به درستی محیط پیرامون خویش را درک کند و جامعه‌ای که از لحاظ معنویت افول کند به انحطاط کشیده می‌شود. وی معتقد است امروزه به ضروریات دین و دستورات آن بی‌توجهی می‌شود و دین جایگاه واقعی خود را از دست داده است. همین امر موجب پریشانی افکار و قلب‌ها و بیگانگی از معنویات شده است. گولن معتقد است وقتی ارزش‌های واقعی فراموش و کمرنگ شوند ضدا ارزش‌ها جایگزین خواهند شد و همین یکی از نشانه‌های جامعه‌ی رو به انحطاط است (گولن، ۱۳۸۶ج، دوری تاریک).

شریعتی همین نکته را تحت عنوان دوری از اسلام واقعی یکی از مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی مسلمانان می‌داند. وی معتقد است این امر به گونه‌های مختلف نزد مسلمانان اتفاق افتاد و تأثیرات منفی زیادی در جوامع اسلامی بر جای گذاشت. به باور وی، تحریف اسلام اولیه باعث شده است تا این آئین تأثیر و کارکردهای خویش را از دست بدهد (شریعتی، ۱۳۶۱الف: ۷۱-۷۲). به بیان شریعتی دین اسلام امروزه به شکلی بیان شده است که باعث گریزان شدن افراد و بخصوص جوانان از آن می‌شود و مقصر اصلی این امر متولیان دین هستند (شریعتی، ۱۳۷۸الف: ۶). وی معتقد است احکام و شعائر دین و بسیاری از مسائل ظاهری به صورت گسترده به نام دین به مردم القا شده

و مردم مشغول امور کم اهمیت دین شدند و حتی برداشتی از دین در بین مردم رواج یافت که بی‌توجهی به زندگی و دنیا را ترویج کرد.

۳-۱-۱. درک نادرست از اسلام و مفاهیم آن

گولن بر این باور است که بسیاری از مفاهیم کلیدی و اساسی اسلام توسط مسلمانان کنونی به‌خوبی درک نشده‌اند، مفاهیمی که اگر درست بیان شوند موجبات پویایی و پیشرفت را در پی خواهند داشت، ولی به صورتی بیان شده‌اند که سبب رکود و انحطاط در جامعه شده و چهره‌ی نادرستی از اسلام نشان داده‌اند. یکی از این مفاهیم کلیدی، مفهوم جهاد است. گولن جهاد را تلاش و کوشش همه جانبه مادی و معنوی می‌داند که در پی کسب رضایت خداوند باشد. وی معتقد است: «قرآن کریم همراه با شرایط مشخص اجازه داده است تا جهاد وسیله‌ای برای پویایی و همپنین صلح جهانی قرار گیرد اما ما نتوانستیم این حقایق را با وجودی که واضح هستند به دیگران بفهمانیم» (گولن، ۱۳۹۲ الف، سخن نخست). وی برای جهاد معنای گسترده‌ای قائل است و جهاد مادی و معنوی را بزرگترین عامل برتری اسلام می‌داند. وی معتقد است یکی از عوامل ضعف و رکود و فتنه‌ها، بی‌توجهی به جهاد در همه‌ی ابعادش بوده است (گولن، ۱۳۹۲ الف، جهاد). وی ابعاد مختلف جهاد به خصوص ابعاد دنیوی آن را مورد توجه قرار می‌دهد. از نظر گولن، جهاد که می‌بایست سرچشمه‌ی شکوفایی و پیشرفت و صلح و امنیت باشد به صورتی بیان شده است که موجب جنگ و ناآرامی و تفرقه شده است. گولن به وارد شدن برخی انحرافات و خرافات به اعتقادات و عقاید مردم نیز اشاره می‌کند. وی معتقد است خرافات باعث تخریب و تضعیف هویت دینی آن‌ها شده است، چنان که بسیاری از دینداران برای پیگیری امور زندگی خویش به سمت خرافه روی می‌آورند تا از آینده و سرنوشت خویش آگاهی یابند (گولن، ۱۳۸۳، سحر و جادوگری).

شریعتی هم معتقد است بسیاری از مفاهیم دینی از جمله توحید، معاد و انتظار تحریف یافته و از معنای اصلی و اولیه‌ی خویش دور شده‌اند. به اعتقاد او، مومنین روح و بینش اصلی اسلام را گم کرده و تمام تلاش خود را بر شاعر و احکام فردی گذاشته‌اند (شریعتی، ۱۳۷۸، اب: ۲۵۱). شریعتی می‌گوید دین اسلام هم به امور دنیوی بشر توجه کرده است و هم به امور اخروی آن، ولی در شرایط کنونی، این دین به گونه‌ای بیان شده است که به جای حرکت و پویایی و پیشرفت فردی و اجتماعی، فرد و جامعه را

دچار رکود، سکون و بی‌تحریکی کرده است. تفاسیر نادرستی که دین را نه برای جامعه و این دنیا، بلکه برای بعد از مرگ مفید و کارساز جلوه می‌دهد. شریعتی تاکید می‌کند که دین «وسیله»‌ای برای رسیدن به سعادت است ولی خود به هدف تبدیل شده است. به همین دلیل است که اصول و فلسفه‌ی دین بسیار کمرنگ شده است و تنها بر فروع و ظواهر دین تاکید می‌شود (شریعتی، ۱۳۷۸ ب: ۲۴۵-۲۵۲). او عنوان می‌کند که قرآن و مراسم مذهبی و حب علی و... همه باید به عنوان وسیله‌ی نجات مورد توجه قرار گیرند و نمود خود را در زندگی نشان دهند، اما امروزه به شکلی درآمدۀ اند که از مصرف افتاده‌اند. در همین راستا وی به درک نادرست از مفاهیم دینی مانند اجتهاد، انتظار و تقیه اشاره می‌کند.

۲-۳. عوامل سیاسی

دسته‌ی دیگری از عوامل که گولن و شریعتی معتقدند در عقب ماندگی مسلمین نقش مهمی داشته‌اند علل سیاسی‌اند. اما چنان که خواهیم دید این عوامل نیز به نحوی با اسلام در ارتباطند، بدین معنا که به سبب تعارض با آموزه‌های سیاسی اسلام به عقب ماندگی مسلمانان انجامیده‌اند.

۱-۲-۳. مطرح شدن ناسیونالیسم و از بین رفتن وحدت مسلمانان

گولن از میان رفتن وحدت مسلمین را یکی از عوامل اصلی گرفتار شدن ایشان به ذلت می‌داند و می‌نویسد: «ما از حق پاسداری نکردیم، قرآن را کمک نکردیم. برای بلند کردن پرچم آن در سرتاسر جهان نکوشیدیم. زیرا، تکه تکه و متفرق و پرت و پلا گشتیم. حال که وضعیت چنین است، صرفاً تماشا می‌کنیم که دشمن ما را چگونه می‌بلعد و طمع‌های خود می‌سازد. با تأسف می‌گوییم که تمام جهان اسلام در چنین وضعیت ذلت بار قرار دارد» (گولن، ۱۳۹۲ الف، جهاد وسیله‌ای برای حاکمیت در جهان). وی معتقد است تفرقه باعث شده است مسلمانان نتوانند به جایگاه واقعی خود در جهان دست یابند و به گسترش اسلام در جهان مبادرت ورزند. این پراکندگی باعث غلبه‌ی دشمنان بر مسلمین شده است.

شریعتی نیز معتقد است: «اسلام در دوره رکودش در چارچوب‌های تنگ قومی و قالب‌های بسته‌ی محلی خویش منجمد شده و بینش جهانی و جهان بینی آن فراموش شده است» (شریعتی، ۱۳۵۷: ۲۹). به نظر شریعتی، جهان بینی مبتنی بر وحدت و نگاه

فراگیر و جهانی کنار گذاشته شد و قومیت‌گرایی مورد توجه قرار گرفت که موجبات تفرقه و رکود مسلمانان را فراهم آورد. شریعتی عنوان می‌کند در چنین شرایطی جامعه به سمتی رفت که حکومت‌های استعمارگر بر جامعه مسلط شدند و گروه‌هایی منفعت طلب امور جامعه را در دست گرفتند و آن را به جهل و جمود کشاندند. شریعتی به ناسیونالیسم غربی به عنوان یکی از عوامل تفرقه و رکود مسلمانان اشاره می‌کند و معتقد است امت مد نظر اسلام، یک جامعه اعتقادی است و ورود اندیشه‌های قومیت‌مدارانه مانند ناسیونالیسم در آن باعث تقویت اختلافات قومی بین مسلمانان شده و وحدت آن‌ها را متزلزل کرده است (شریعتی، ۱۳۵۹: ۱۰۷-۱۳۲). مسلمین با تقلید کورکورانه از ناسیونالیسم غربی خسارات زیادی متحمل شده‌اند. ناسیونالیسم غربی بر ملی‌گرایی مبتنی بر قومیت تأکید می‌کند و از زمانی که مسلمین این نوع ناسیونالیسم غربی را دنبال کردند وحدت اسلامی تضعیف و امت اسلامی قطعه قطعه شد.

۳-۲-۲. استعمار و تسلط بیگانگان

گولن تسلط کفار را یکی از عوامل زبونی و خوار شدن مسلمین می‌داند و بر استقلال مسلمانان تأکید می‌کند: «اگر مومن به زیستن تحت امر کافر راضی باشد، او هرچه به نام اسلام و ایمان داشته از دست داده است» (گولن، ۱۳۹۲ الف، جهاد دستور الهی است). وی کسانی را که به زیستن تحت امر کفار راضی می‌شوند، از دایره‌ی ایمان خارج می‌داند و آن را ذلت بزرگ برای مسلمین می‌داند که کفار بر آن‌ها تسلط یابند. در همین راستاست که او بر لزوم وجود یک دولت قدرتمند اشاره می‌کند و با ستایش خاصی از دولت عثمانی به عنوان یک دولت قدرتمند و موفق اسلامی یاد می‌کند. به نظر وی دولت مسلمان عثمانی در صحنه‌ی بین‌المللی از جایگاه مهمی برخوردار بود و به دنبال احقاق حق و حامی تمامی مظلومان بود. گولن به دیده‌ی حسرت به دورانی می‌نگرد که یک دولت موفق اسلامی وجود داشت و معتقد است با فروپاشی آن دولت، بی‌عدالتی و ظلم گسترش پیدا کرد و آرامش منطقه بر هم خورد (گولن، ۱۳۸۳، دعوت به سفر برای دعا). گولن قدرهای بزرگ را عامل بسیاری از مشکلات و محرک اکثر ناآرامی‌ها و حتی تروریسم در کشورش و نیز جهان اسلام می‌داند. وی معتقد است این اقدامات از طریق عوامل خارجی تحریک و تقویت می‌شوند و هدف آن‌ها نیز ایجاد ناآرامی و هرج و مرج در کشورهای اسلامی و تضعیف دولت‌های مسلمان است تا از این طریق بتوانند کشور را مضمحل و ضعیف نموده و سپس بر آن سیطره پیدا کنند (گولن، ۱۳۹۲ الف، مقدمه سخن).

شریعتی نیز در ارتباط با جنبه‌های سلطه جویانه و استعمار غرب مباحث زیادی را مطرح کرده است. وی معتقد است استعمارگران به عنوان مبلغان مسیحی یا مهاجران اروپایی برای سرمایه‌گذاری و آبادی و ایجاد کار و ترقی وارد شدند و در ابتدا اکثراً مورد استقبال بومیان قرار گرفتند (شریعتی، ۱۳۵۷: ۷۲). آن‌ها از غفلت بومیان استفاده کردند و بومیان زمانی متوجه سلطه بیگانگان شدند که استعمار کاملاً بر آن‌ها غلبه یافته و توانسته بود فکر و فرهنگ خویش را بر آن‌ها تحمیل کند (شریعتی، ۱۳۶۱: ۱۴۹). شریعتی معتقد است ضعف مسلمین باعث شد تا استعمار بر آن‌ها سیطره پیدا کند، در حالی که اگر از آگاهی و قدرت برخوردار بودند این گونه اسیر غرب نمی‌شدند. استعمار با استفاده از کالاهای خویش به بهانه‌ی مساعدت به مسلمین وارد عمل شد، ولی استقلال و امنیت و تمامی ارزش‌های آن‌ها را ویران کرد.

۳-۳. عوامل اجتماعی

گولن و شریعتی هر دو وجود برخی از روحیات اجتماعی - فرهنگی را هم در عقب ماندگی و انحطاط مسلمین دخیل می‌دانند. در این جنبه نیز شاخص سنجش هر دو متفکر اساساً جوهره‌ای دینی دارد.

۳-۳-۱. دنیاگرایی و مصرف‌گرایی

گولن در آثار خود بر اهمیت اقتصاد تاکید می‌کند و آن را استفاده‌ی بهینه و درست از تمام امکاناتی که خداوند در اختیار انسان قرار داده است، می‌داند. در مقابل، وی اسراف را نکوهش کرده و آن را در مقابل اقتصاد تعریف می‌کند. وی توجه به اقتصاد را لازمه - ی زندگی عزت مندانه می‌داند و اسراف را یک نوع بیماری می‌داند که در اسلام جایگاهی ندارد، ولی جوامع اسلامی به آن دچار شده‌اند (گولن، ۱۳۸۳، آیا می‌توانی حسابش را پس دهی؟). وی معتقد است امروزه مصرف‌گرایی به صورت گسترده و شدید از طریق رسانه‌های جمعی مورد تبلیغ قرار می‌گیرد و حتی اقشار کم در آمد مسلمین نیز شدیداً به این آفت مبتلا شده‌اند. گولن می‌گوید مصرف‌گرایی باعث هدر رفتن سرمایه‌های ملی می‌شود. به اعتقاد او، بسیاری از اعمال نادرست اخلاقی و اجتماعی که در جامعه وجود دارد نتیجه‌ی همین مصرف‌گرایی است.

شریعتی نیز همانند گولن معتقد است امروزه زندگی افراد به روندی تکراری مبدل شده و مردم غرق در امور دنیوی محض شده‌اند و از ارزش‌های والای انسانی خبری نیست.

در این شرایط انسانی شکل می‌گیرد که حتی تمام افکار و آرزوها و دغدغه‌هایش منحصر به دنیا و امور کم‌اهمیت است. شریعتی از این مساله به عنوان آفت روزمرگی یاد می‌کند و آن را به منجلا بی تعبیر می‌کند که هر روز عزیزترین ارزش‌ها را در خود فرو می‌برد. بزرگ‌ترین قربانی این آفت نیز خودآگاهی است که با نبود آن، انسان‌ها بسیاری از ارزش‌های خویش را فراموش می‌کنند (شریعتی، ۱۳۶۰: ۲۴۷). وی معتقد است یکی از دلایلی که باعث غلبه‌ی استعمار شد، باورها و ارزش‌های غلط مردم کشورهای مستعمره بود. یکی از این موارد تجمل پرستی این جوامع بود (شریعتی، ۱۳۵۷: ۸۶). شریعتی بیان می‌کند تا زمانی که مصرف‌کننده و فرمان‌گیرنده از غرب باشیم حیاتش را نیز تضمین کرده‌ایم و همچنان در چنبره‌ی استعمار خواهیم ماند.

۳-۲- بی‌تفاوتی نسبت به امور جامعه

گولن بیان می‌دارد که انسان در زندگی شخصی و فردی خویش می‌تواند زندگی زاهدانه و ساده‌ای را در پیش بگیرد و اتفاقاً این منشی است که حتی بزرگان نیز توصیه کرده‌اند؛ «آری، انسان به حساب شخص خودش می‌تواند یک زندگی زاهدانه را ترجیح دهد و به قوت ولایموت و خرقه‌پینه خورده اکتفا کند» (گولن، ۱۳۹۲ ج، قهرمانان بازار). ولی در حوزه‌ی عمومی و اجتماعی، زهد جایگاهی ندارد. بدین ترتیب وی بین رفتار فردی و اجتماعی تفاوت قائل می‌شود. گولن تاکید می‌کند آنجا که پای منافع جامعه و ملت به میان می‌آید باید با قاطعیت و قدرت تمام عمل کرد. ضعف در جنبه‌های عمومی و ملی به هیچ عنوان قابل دفاع نیست. چون در صورت نشان دادن ضعف در این حوزه، دیگران با استفاده از امکانات خویش بر ما غلبه خواهند کرد. وی معتقد است مسلمان واقعی «از لحاظ جنبه‌های مربوط به هیئت عمومی (مردم و جامعه) به هیچ وجه فقر و ضرورت، نیستی و سفالت، ناتوانی و عجز را نمی‌پذیرند. ... در غیر آن محکوم دیگران شدن امری اجتناب‌ناپذیر است» (گولن، ۱۳۹۲ ج، قهرمانان بازار). از سوی دیگر، شریعتی انسان را یک موجود اجتماعی می‌داند و بی‌تفاوتی افراد و به ویژه نخبگان نسبت به امور جامعه را مورد انتقاد قرار می‌دهد. این افراد می‌پندارند که با کناره‌گیری از اوضاع نابه‌سامان جامعه می‌توانند خود را حفظ کنند و به آرامش و سعادت دست یابند، در حالی که نه تنها در قبال سرنوشت خویش بلکه در قبال سرنوشت جامعه‌ی خویش نیز مسئولند (شریعتی، ۱۳۵۷: ۶۵). وی اضافه می‌کند: «به قیمت خیانت به دیگران نمی‌توان به خود خدمت کرد» (شریعتی، ۱۳۵۷: ۶۲). در واقع

شریعتی معتقد است فردی که تنها به فکر نجات خویش باشد و حتی اگر به خیال خود، خود را نجات هم داده باشد، بزرگترین خیانت را مرتکب شده است، چون بزرگترین رسالت او اصلاح دیگران و اصلاح جامعه‌ی خویش بوده است.

۳-۳-۳. تقلید و خودباختگی

گولن معتقد است مسلمین در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، نظامی و حتی در زمینه‌های علمی دچار خودباختگی شده‌اند. آن‌ها حتی در ذهنیت خود نیز نمی‌توانند از خودکم‌بینی‌های پایداری یابند. می‌توان گفت که دانشمندان مسلمان بیش از دیگر افراد به این مشکل مبتلا هستند (گولن، ۱۳۹۲ج، مکلفیت ساجکتیف). همین امر باعث می‌شود که مسلمانان به دیده‌ی حیرت به دیگران نگاه کنند. روشنفکران ما که باید راهنمایان افراد جامعه باشند خودشان به بلای خودباختگی و تقلید دچار شده‌اند و این امر باعث ذلت می‌شود. گولن خودباختگی را به شدت مورد نکوهش قرار می‌دهد و تاکید می‌کند که نباید در افکار و سبک زندگی از دیگران تقلید کرد. زیرا این امر باعث ضایع شدن قلب و روح می‌شود و سبب می‌گردد از خود غافل شویم. نه تنها با تقلید نمی‌توانیم دیگران را به سوی خود جذب کنیم بلکه با دور شدن از هویت اصلی خود، خویش را فراموش می‌کنیم و پیرو افکار و اندیشه‌های بیگانگان خواهیم شد. «نباید فراموش کنیم که مؤمنین با تغییر دادن شکل و اندیشه‌های خود و با شبیه ساختن شکل و قیافه و طرز زندگی‌شان به بیگانگان هرگز نمی‌توانند در برابر تمثیل کنندگان و نمایندگان فرهنگ‌های بیگانه محبوب گردند. با چنین عملی تنها روح خود را اسیر نموده و قلب خود را می‌کشند. کسانی که فکر می‌کنند با کردارهای گوناگون و افکار رنگ باخته خود و با تخیلات موجود در زندگی‌شان قلب بیگانگان را فتح نموده و آن‌ها را بسوی خود جذب می‌نمایند، آنان بیچارگانی‌اند که بدون این‌که متوجه باشند، محکوم به پیوستن به بیگانگان گردیده و در محیط افکار آنان ذوب گردیده‌اند» (گولن، ۱۳۸۳، آیا می‌توانی حسابش را پس دهی؟).

مخالفت با تقلیدگرایی با شدت بیشتری در اندیشه‌ی شریعتی دیده می‌شود. او یکی از عوامل تسریع انحطاط مسلمین را تسلط و تبلیغ اندیشه‌های غربی می‌داند و بیان می‌کند که این اندیشه‌ها مروج هنجارها و ارزش‌هایی‌اند که جوانان را از ارزش‌ها و نیازهای واقعی خویش دور می‌کنند. تسلط رسانه‌ای غرب و بهره‌گیری از وسایل گوناگون ارتباطی سبب شده است این ارزش‌ها به صورت گسترده مورد تبلیغ قرار

گیرند (شریعتی، ۱۳۶۰: ۷). شریعتی این فرایند را از خودبیگانه شدن می‌نامد و معتقد است این امر زمانی اتفاق می‌افتد که عناصر و ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر در فرهنگ جامعه ما رسوخ پیدا کند و افراد را به سمتی بکشاند که از خویشتن خویش یعنی تاریخ، فرهنگ، سنت و زبان خویش جدا شوند (شریعتی، ۱۳۷۸ الف: ۲۱۳-۲۱۴). وی معتقد است وقتی افراد تلاش می‌کنند خلاء خود را با درون مایه‌های فرهنگی دیگری پر کنند با خویش بیگانه می‌شوند. شریعتی می‌گوید اگر جامعه‌ای بدون ایمان و آگاهی، فقط به دنبال صنعت و سرمایه داری و آنچه پیشرفت صنعتی و علمی نامیده می‌شود برود، اگر هم به آن دست یابد همواره مصرف‌کننده خواهد بود. او بین تمدن و تجدد فرق می‌گذارد و می‌گوید که ما متجدد شدیم ولی متمدن نشدیم (شریعتی، ۱۳۶۱ پ: ۳). وی بیان می‌کند انسان متجدد تنها به تغییر ظاهرش اکتفا کرده است، در صورتی که برای رسیدن به تمدن باید شناخت و آگاهی صورت گیرد و بینش تغییر کند. شریعتی این تقلیدگرایی را در دوره‌های گذشته نیز جست‌وجو می‌کند و آن را یونان زدگی و هند زدگی می‌نامد. یونان زدگی عبارت است از بکار گرفتن متد ذهنی، درون-گرایانه و کلی‌نگر در تفکرات و روش‌های علمی؛ و هند زدگی نیز شامل احساس عرفانی، صوفی‌گرایانه و آخرت‌گرایانه‌ی افراطی است که در آن تفکر و حتی زندگی عینی و دنیوی، پست و محکوم شمرده می‌شود. وی معتقد است این نوع نگاه به علم و زندگی، پویایی را از حیات اجتماعی جهان اسلام گرفته و آن را به رکود کشانیده است (شریعتی، ۱۳۶۱ چ: ۳۲۶).

۴. راه برون‌رفت از عقب‌ماندگی

گولن و شریعتی به بررسی علل عقب‌ماندگی مسلمانان بسنده نمی‌کنند، بلکه بخش عمده بحث خود را بر راهکارهایی برای برون‌رفت از آن متمرکز می‌کنند. چنان که خواهیم دید با توجه به نوع آسیب‌شناسی ایشان از عقب‌ماندگی جوامع اسلامی، در این زمینه نیز هر دو اندیشمند به راهکارهایی توجه می‌کنند که وجه دینی قابل توجهی دارند. با این حال، شریعتی به سمت رویکردی انقلابی و چپ‌گرایانه از دین تمایل دارد، در حالی که گولن رویکردی اصلاحی و لیبرال را دنبال می‌کند و به پذیرش مدرنیسم، تساهل و دموکراسی و حتی ناسیونالیسم ترک تمایل دارد (Aras and Caha, 2000: 30).

۴-۱. بازگشت به دین

گولن برای برون رفت از عقب ماندگی همه‌ی مسلمین را به ارزش‌های اصیل اسلامی دعوت می‌کند تا از طریق آن هویت واقعی خویش را بیابند. وی عنوان می‌کند: «اگر می‌خواهیم سرگردانی و پریشانی که در چند قرن اخیر در آن گرفتار شده‌ایم به پایان برسد، باید بکوشیم تا به هویت اصلی و شخصیت واقعی‌مان در سایه‌ی تربیت حقیقت احمدی برگردیم و به اسلام بپیونددیم» (گولن، ۱۳۹۲ الف: ناسازگاری جهاد با راحت طلبی). گولن راه‌هایی از فریب‌ها و نیرنگ‌ها را چنگ زدن به منابع اصیل اسلامی مانند قرآن و سنت می‌داند که درمان‌کننده‌ی تمام دردها می‌باشند. وی معتقد است دین اسلام نظام آسمانی و پویایی است که اعتقاد و عمل به آن باید در ظاهر و باطن و عمل مسلمان نمود پیدا کند (گولن، ۱۳۸۳، حقوق کارگر در اسلام و مناسبات کارگر و کارفرما). بر همین مبنا گفته شده است که مشخصه‌ی جنبش گولن احیای ارزش‌های سنتی به عنوان بخشی از تلاش جامعه‌ی ترکیه برای مدرنیزاسیون است (Aras and Caha, 2000: 40).

شریعتی نیز از ضرورت بازگشت به خویشتن سخن می‌گوید. بازگشتی که وی در نظر دارد، بازگشت به نژاد و ملیت نیست؛ بلکه بازگشت به اسلام، آن هم اسلام اولیه و نخستین است (شریعتی، ۱۳۶۱ ج: ۴۰). شریعتی می‌گوید باید به اسلام اولیه و ناب بازگردیم و ناخالصی‌های وارد شده در دین را بزداییم. به نظر او، اسلام باید از حالت تکرار سنت‌های ناآگاهانه، که بزرگ‌ترین عامل انحطاط است به صورت یک اسلام آگاهی‌بخش مترقی معترض، و به عنوان یک ایدئولوژی آگاهی‌دهنده و روشنگر مطرح گردد. شریعتی تلاش می‌کند تا اسلام را در قالب یک ایدئولوژی معرفی کند. به باور وی، اسلام یک مکتب و ایدئولوژی است که حاوی برنامه‌ای جامع برای زندگی اجتماعی است. اسلام انسان را به تحرک و پویایی و تلاش و همچنین حرکت به سمت تعالی و کمال فرا می‌خواند و مخالف سکون و رکود و بی‌عدالتی و ستم و استثمار است (شریعتی، ۱۳۶۱ الف: ۷۵-۱۳۰). در همین راستا، وی اسلام انقلابی را مطرح می‌کند. وی معتقد است دین مسیر و راهی است که خداوند برای زندگی انسان در نظر گرفته است و به تمام جنبه‌های مادی و معنوی بشر توجه دارد تا از طریق آن به سمت کمال حرکت کند. به همین دلیل با بهره‌مندی از منابع اصیل اسلامی، کارکردهای اجتماعی دین باید احیا شود.

۴-۲. حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی

شریعتی و گولن هر دو معتقدند که مسلمانان باید بی‌تفاوتی و انزوا نسبت به امور جامعه را کنار بگذارند. گولن بیان می‌کند که مسلمانان باید انفعال و انزوا را کنار بگذارند و در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، در راستای خدمت به خلق و خوشنودی خداوند به صورت فعال حضور یابند. او پیروان خود را به ارائه خدمات اجتماعی و تلاش برای تحقق مصالح عمومی فرامی‌خواند (Kirdiş, 2016: 9). وی می‌گوید: «باید نه بی‌زبان بود، نه بی‌أسلوب. احساسات و افکار خویش را گاهی از طریق پرده تلویزیون، گاهی از یک گوشه‌ی روزنامه، گاهی هم از طریق صفحات اینترنت نشر نموده و در هر فرصت بدست آمده و در هر اجتماع باید حقیقت را به زبان بیاورید» (گولن، ۱۳۸۳، دعوت به سفر برای دعا). به نظر او باید از همه‌ی ابزارها و اسلوب‌های موجود، به ویژه روش مسالمت‌آمیز و زبان نرم و گفت و گو، برای شناساندن عقاید خود و جلوگیری از ظلم و بدی‌ها بهره ببریم. لازم به ذکر است که گولن در عین حال که اسلام را آئینی اجتماعی می‌شمارد، بخش اندکی از شریعت را به حوزه حکومت و دولت مربوط می‌داند (Aras and Caha, 2000: 32). به علاوه، او چندان رغبتی به مشارکت مستقیم در سیاست از خود نشان نمی‌داد و پیروانش را نیز بدان ترغیب نمی‌نمود (Kirdiş, 2016: 10-11). این بدان معناست که گولن ضرورتاً همه‌ی امور اجتماعی را حوزه‌ی عمل دولت نمی‌شمارد، در عین حال که بر توجه اسلام به جنبه اجتماعی زندگی آدمی تأکید می‌ورزد.

شریعتی نیز می‌گوید مذاهب یا آخرت‌گرایند یا دنیاگرا، ولی اسلام تنها مذهب دو بعدی است که در آن واحد دو جهت دنیاگرایی و آخرت‌گرایی را در بر دارد تا جامعه را همواره در تعادل نگه دارد (شریعتی، ۱۳۵۷: ۸). شریعتی دین اسلام را نمونه‌ی کامل ادیان الهی می‌داند، دینی که برای تمام جوانب دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی، روحانی و مادی انسان برنامه ارائه می‌دهد. به همین سبب از نظر وی مسئول بودن نسبت به جامعه و افراد آن یک وظیفه و تکلیف است و عمل نکردن به آن نوعی خیانت به جامعه محسوب می‌شود.

۴-۳. تعریف نو از برخی مفاهیم

گولن و شریعتی تلاش می‌کنند تا به منظور پیرایش مفاهیم دینی از تحریف، به تفسیر مناسب از آن مبادرت ورزند. گولن تعاریف متفاوتی از برخی مفاهیم مانند ارشاد،

امنیت، جهاد و خدمت ارائه می‌کند. ارشاد در گفتمان او دایره‌ی مفهومی فراخ‌تر و معنایی متفاوت با معنای متداول و سنتی‌اش دارد. در گفتمان سنتی، ارشاد تنها به معنی هدایت به سمت ارزش‌های دینی و تبلیغ مذهبی است. ولی گولن آموزش هر عملی را ذیل مفهوم ارشاد قرار می‌دهد. فقط تدریس در مدارس مذهبی ارشاد نمی‌باشد. حتی وقتی معلمی در مدرسه‌ای غیرمذهبی تدریس می‌کند، روح دیگران را نجات می‌بخشد و راه درست را به آن‌ها نشان می‌دهد فعالیت او هم ارشاد تلقی می‌شود (نوروزی، ۱۳۹۱: ۸۶).

معنایی که گولن از جهاد ارائه می‌دهد نیز بسیار وسیع است. او هر نوع اقدام عملی را که در راستای خدمت به خلق باشد جهاد می‌نامد (گولن، ۱۳۹۲ الف، جهاد ضامن ثبات داخلی و خارجی است). نکته‌ی قابل توجه این است که یکی از مهم‌ترین جنبه‌های جهاد از نظر گولن تلاش اقتصادی است که یک فرد مسلمان در راه خدمت به خلق و اعتلای جامعه‌ی اسلامی انجام می‌دهد. او جهاد مادی و معنوی را مبارزه‌ای مقدس توصیف می‌کند، وظیفه‌ی بزرگی که عزت و ذلت مسلمین در گرو موفقیت آن است. یکی دیگر از مفاهیم اصلی گفتمان گولن مفهوم خدمت است. خدمت یعنی آن که شخص خودش را برای سعادت دیگران وقف کند. از نظر گولن، کار کردن عملی مذهبی است و در توضیح این گفته می‌افزاید: هرچه بیشتر تلاش کنیم پول بیشتری برای صرف در راه خدا اندوخته می‌شود؛ پس هرچه بیشتر کار کنیم، بیشتر می‌توانیم به اسلام خدمت کنیم (فکری و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۶). در نگاه وی، پایانی برای خدماتی که به منظور ساختن یک جامعه‌ی آرام و صلح آمیز انجام می‌گیرد وجود ندارد و خدمت کردن به جامعه مهم‌ترین راه جلب رضایت خداوند است.

شریعتی نیز معتقد است بسیاری از مفاهیم در اسلام از معنای واقعی و عمیق خود دور شده‌اند. یکی از آن موارد، امر به معروف و نهی از منکر است. وی معتقد است این عمل به صورت یک رشته نصیحت‌های سطحی و کودکانه در آمده است (شریعتی، ۱۳۵۷: ۶۰-۷۰)، در حالی که امر به معروف و نهی از منکر یعنی رسالت فرد در تعیین سرنوشت جامعه و مکتب اعتقادی خویش. شریعتی با نگاهی جامعه‌شناسانه، مفهوم شیعی انتظار را نیز به گونه دیگری تفسیر می‌کند. وی از دو نوع انتظار منفی و مثبت سخن می‌گوید؛ انتظار منفی وسیله‌ای است برای توجیه وضع موجود. در مقابل، انتظار مثبت و واقعی نفی و نقد وضع موجود است و تلاش برای تحقق وضع مطلوب. وی معتقد است در زمان انتظار نه تنها از انسان سلب مسئولیت نمی‌شود بلکه مسئولیت

انسان در قبال سرنوشت خودش و جامعه و انسان‌های دیگر بسیار سنگین و حیاتی است (شریعتی، ۱۳۵۰).

شریعتی تقیه را نیز متفاوت از مفهوم مرسوم آن معنا می‌کند. به نظر وی در تشیع علوی دو نوع تقیه وجود دارد: تقیه‌ی وحدت، و تقیه‌ی مبارزه. تقیه در تشیع صفوی سکوت در برابر پلیدی‌ها و انحراف‌ها برای حفظ کار و زندگی و پرهیز از دردسر است. در تشیع علوی، تقیه عامل مبارزه و وحدت است، اما در تشیع صفوی، مانع مبارزه و باعث تفرقه. در تشیع علوی، تقیه گاه حرام می‌شود، اما در تشیع صفوی یک اصل اعتقادی و ثابت است (شریعتی، ۱۳۶۱: ۸۰-۸۴).

۴-۴. تاکید بر علم و آگاهی و لزوم گروه‌پشتاز

گولن معتقد است علم مدرن ابزاری است که به مدد آن و با مطالعه در مخلوقات، درک عقلانی‌تری از خداوند و جهان به دست می‌آوریم. حفظ دین نیز در این عصر با استفاده از علم امکان پذیر است. به نظر گولن، علم شکل دهنده‌ی رفاه اقتصادی، یکپارچگی اجتماعی و استقلال ملی است، همان پشتوانه‌هایی که ضامن حفظ نظام مدرن و نیز اسلام مدرن خواهد شد (فکری و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۳). گولن معتقد است آینده جهان در دست مللی است که علوم را در اختیار داشته باشند. در همین راستا وی مدارس مختلفی را در کشورهای گوناگون تاسیس کرده است که دانش‌آموختگان آن در عین آگاهی به علوم روز دنیا، پایبندی به اخلاق و ایمان را نیز می‌آموزند.

شریعتی نیز بر اهمیت علم و اولویت اقدامات فرهنگی تاکید می‌کند و در این راستا معتقد است ابتدا باید گروهی از روشنفکران آگاه شکل بگیرد تا به وسیله‌ی آن جامعه اصلاح شود. در واقع شریعتی ابتدا به ساختن فرد و شکل‌گیری گروهی از نخبگان آگاه و هسته‌ای از نیروهای متعهد معتقد است و سپس جامعه‌سازی. او می‌گوید فقط با فرد سازی و آماده کردن فضا می‌توانیم زمینه‌ی تحولات بزرگ را در جامعه فراهم کنیم (شریعتی، ۱۳۵۷: ۶۲). شریعتی برای نمونه حرکت پیامبر(ص) را بیان می‌کند و معتقد است این حرکت ابتدا در مکه در قالب فرد سازی آغاز شد و هسته‌ی اولیه‌ی از نیروها شکل گرفت. سپس با فراهم شدن شرایط، پیامبر در مدینه به جامعه‌سازی مبادرت ورزید. شریعتی معتقد است رسالتی که عالمان در جامعه دارند رسالت پیامبرگونه است و مسئولیت سنگین آگاهی بخشی و هدایت جامعه بر عهده‌ی آنهاست. به نظر می‌رسد آنچه شریعتی از علم در نظر دارد عمدتاً مفهوم آگاهی است که می‌تواند در راستای

اندیشه‌های انقلابی وی برای تحول بخشیدن در جامعه و تحقق رهایی مفید باشد. در این مسیر عالمان و روشنفکران نقش مهمی دارند و باید پیشتاز شده و جامعه را نیز با خود همراه کنند. اما علم مورد نظر گولن عام‌تر است و جنبه‌های مختلف دانش را در بر می‌گیرد. گولن به علم به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار پیشرفت و ترقی نظر دارد. او نیز به گروه پیشرو معتقد است. در همین راستاست که وی به آموزش روی آورده و مدارسی تاسیس کرده است تا از طریق آن افرادی پرورش یابند که در مسیر تحول در جامعه پیشگام باشند.

۴-۵. کسب قدرت

گولن بر قدرتمندی مسلمین و به خصوص قدرت اقتصادی آن‌ها تاکید دارد. وی معتقد است توانایی اقتصادی در صورتی که به درستی از آن استفاده شود یکی از مهم‌ترین عوامل عزت می‌باشد (گولن، ۱۳۸۳، آیا می‌توانی حسابش را پس بدهی؟). در همین راستا، گولن بر لزوم وجود دولت قدرتمند که بتواند امنیت را فراهم کند نیز تاکید می‌ورزد. وی معتقد است پیشرفت و ترقی در سایه‌ی امنیت امکان پذیر است و امنیت نیز با وجود یک دولت قوی و کارآمد امکان پذیر خواهد بود؛ اگر مسلمین به اندازه‌ی کافی قدرتمند نباشند همیشه باید مطیع و فرمانبردار دیگران بمانند.

چنان که پیش‌تر دیدیم، شریعتی نیز معتقد است تمام برنامه‌های اسلام برای زندگی اجتماعی است و یکی از بارزترین مشخصات اسلام اجتماعی بودن آئین و دستورات آن است. وی عنوان می‌کند بزرگ‌ترین خدمتی که اسلام نه تنها به مسلمین بلکه تاریخ بشری کرد این بود که قدرت عشق مذهبی و قدرت معنوی و احساس عرفانی را که در درون انسان‌ها بوده است در راه ساختن جامعه‌ی بشری، استقرار عدالت، کسب قدرت و پیشرفت مادی و معنوی به کار گرفت (شریعتی، ۱۳۵۷: ۶۴). شریعتی عنوان می‌کند که ارزش ایمان به مقدار تاثیری است که بر جنبه‌های مختلف زندگی فرد می‌گذارد. به نظر او، ملاک ایمان در یک جامعه در این نیست که چه تعداد از افراد آن جامعه مذهبی‌اند، بلکه مهم کیفیت تاثیر مذهب بر زندگی افراد و شرایط جامعه است و این که مذهب چقدر در روند حرکت و تحول آن جامعه تاثیر گذاشته است. اشاره شریعتی عمدتاً به قدرت آگاهی‌بخشی و نیروی انقلابی است، در حالی که قدرت مورد نظر گولن جنبه‌ی عمومی‌تر و متنوع‌تری داشته و وجه مدنی بیشتری دارد.

۵. نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش مطرح شده در این پژوهش می‌توان گفت که تشخیص شریعتی و گولن از ریشه‌ی عقب‌ماندگی در جهان اسلام و حتی راه خروج از آن بسیار مشابه است. بسیاری از مباحثی که آن‌ها در ارتباط با عقب‌ماندگی و راه برون رفت از آن مطرح می‌کنند به دین اسلام مربوط است. هر دوی آن‌ها دوری از اسلام را عامل انحطاط جوامع اسلامی می‌شمارند. در عین حال، تفاوت‌هایی چشمگیری نیز میان اندیشه‌ی ایشان قابل ملاحظه است. گولن بر صلح، امنیت و آرامش تاکید می‌کند و فراهم کردن این شرایط را برای رسیدن به کمال و خوشبختی جامعه ضروری می‌داند. گویی او عملاً و تلویحاً وضع موجود در جامعه‌ی خویش را می‌پذیرد. تاکید او بر مسالمت‌جویی و تساهل، از یک سو، و ضرورت قدرتمندی جوامع اسلامی در زمینه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، از دیگر سو، در همین راستا قابل تبیین است.

از سوی دیگر، چنین می‌نماید که شریعتی از وضع موجود سخت ناخرسند است؛ او در اندیشه‌ی دگرگونی‌های ژرف‌تری بوده و مشتاق رهایی‌بخشی است. بنابراین برای درمان انحطاط موجود، اسلام انقلابی را تجویز می‌کند و آن را در قالب یک ایدئولوژی مطرح می‌نماید. هر دو اندیشمند به جامعیت اسلام باور دارند و تلاش می‌کنند تا از دین بهره‌گیرند و به جامعه اسلامی تحرک و پویایی ببخشند. گولن در این مسیر برداشت مدنی و مسالمت‌جویانه‌ای را دنبال می‌کند، ولی شریعتی برداشتی انقلابی از دین ارائه می‌دهد. تلاش گولن بیشتر در راستای توسعه و پیشرفت است ولی نظرات شریعتی بیشتر در مسیر رهایی‌بخشی است. شریعتی روشنفکری است برای دوران انقلاب؛ و گولن اصلاح‌گری است در درون نظم مستقر.

پی‌نوشت

۱. از آنجا که بیشتر کتاب‌های گولن از سایت اینترنتی او گرفته شده‌اند، شماره‌ی صفحه برای مشخص کردن محل دقیق نقل قول‌ها وجود ندارد. در نتیجه مؤلفان ناگزیر بوده‌اند که به جای آن، نام بخش را در آدرس ارجاع ذکر کنند. خوشبختانه به دلیل کوتاه بودن بخش‌ها، یافتن محل دقیق نقل قول‌ها برای خوانندگان آسان خواهد بود.

منابع

شرابی، هشام (۱۳۶۹)، روشنفکران عرب و غرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، چاپ دوم، تهران: وزارت امور خارجه.

شریعتی، علی (۱۳۵۷)، *ما و اقبال*، چاپ اول، تهران: حسینیه ارشاد.

شریعتی، علی (۱۳۵۸)، چه باید کرد؟، تهران: موسسه بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی، قلم.

شریعتی، علی (۱۳۵۹)، *تشیع علوی و تشیع صفوی*، تهران: تشیع.

شریعتی، علی (۱۳۶۰)، چه باید کرد؟ مجموعه آثار ۲۰، تهران: دفتر تنظیم و نشر مجموعه آثار دکتر شریعتی.

شریعتی، علی (۱۳۶۱ الف)، *جهان بینی و ایدئولوژی*، تهران: دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی.

شریعتی، علی (۱۳۶۱ ب)، *ویژگی های قرون جدید*، مجموعه آثار ۳۱، تهران: دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی.

شریعتی، علی (۱۳۶۱ پ)، *اسلام شناسی (درس های دانشگاه مشهد)*، تهران: دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی.

شریعتی، علی (۱۳۶۱ ت)، *نخودسازی انقلابی*، تهران: دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی.
شریعتی، علی (۱۳۶۱ ث)، *تشیع علوی تشیع صفوی*، تهران: دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی.

شریعتی، علی (۱۳۶۱ ج)، *بازگشت*، مجموعه آثار ۴، تهران: دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی.

شریعتی، علی (۱۳۶۱ چ)، *تاریخ و شناخت ادیان ۲*، مجموعه آثار ۱۵، تهران: دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی.

شریعتی، علی (۱۳۷۸ الف)، *بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی*، چاپ ششم، تهران: الهام.

شریعتی، علی (۱۳۷۸ ب)، *شیعه*، چاپ هفتم، تهران: الهام.

شریعتی، علی (۱۳۵۰)، *انتظار مذهب اعتراض*، بی نا، سخنرانی شریعتی در حسینیه ارشاد، تاریخ ۱۳۵۰/۸/۱۸

علمداری، کاظم (۱۳۸۰)، *چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟* چاپ ششم، تهران: نشر توسعه.

فکری، محمد؛ اینانلو، مینا؛ فکری، احمد (۱۳۹۲)، *بررسی جامعه شناختی جنبش فتح الله گولن بر مبنای بسیج منابع*، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفتم، شماره ۳.

Archive of SID